

وقتی که نیاز به دفع بول و غائط دارد، یا لباس تنگ در تن کرده نماز بخواند.

مواردی که شکستن نماز جایز است

مسئله ۱۰۴۱ - شکستن نماز واجب عمداً بنا بر احتیاط جایز نیست، ولی برای جلوگیری کردن از ضرر فایده توجیه مالی یا بدنی مانعی ندارد، مثلاً اگر جان نمازگزار یا کسی که حفظ جان او واجب است به خطر بیفتد و بدون شکستن نماز رفع خطر ممکن نباشد باید نماز را شکست، همچنین برای حفظ مالی که نگهداری آن لازم است، اما برای مالی که اهمیت چندانی ندارد، مکروه است.

مسئله ۱۰۴۲ - هرگاه مشغول نماز باشد و طلبکاری طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد و صورت نماز به هم نخورد بهتر است در همان حال بپردازد، ولی اگر بدون شکستن نماز ممکن نیست صبر کند تا نماز تمام شود و این مقدار تأخیر منافات با فوریت ادای دین ندارد مگر اینکه ضرورت خاصی داشته باشد، مثل اینکه همراهان و همسفران طلبکار می‌روند و او به زحمت می‌افتد.

مسئله ۱۰۴۳ - هرگاه در اثناء نماز بفهمد «مسجد» نجس شده و تطهیر مسجد نماز را به هم نزنند آن را تطهیر کنند، در غیر این صورت بعد از نماز اقدام به تطهیر مسجد نماید و احتیاط آن است که نماز خود را طولانی نکند.

مسئله ۱۰۴۴ - در مواردی که شکستن نماز واجب است چنانچه ادامه دهد معصیت کرده و نماز او نیز اشکال دارد.

مسئله ۱۰۴۵ - اگر پیش از رکوع متوجه شود اذان و اقامه را فراموش کرده چنانچه وقت وسعت داشته باشد بهتر است نماز را بشکند و اذان و اقامه را بگوید و دوباره شروع کند.

شکایات نماز

مسئله ۱۰۴۶ - شکایات نماز ۲۳ قسم است:

- ۱ - شکهایی که نماز را باطل می‌کند و آن ۸ قسم است.
- ۲ - شکهایی که نباید به آن اعتنا کرد و آن ۶ قسم است.
- ۳ - شکهای صحیح و آن ۹ قسم است که شرح همه آنها در مسائل آینده به خواص...

می آید.

۱ - شکهای باطل

مسألة ۱۰۴۷ - شکهای هشتگانه ای که نماز را باطل می کند به شرح زیر است:

- ۱ - شک در رکعتهای نماز دو رکعتی مانند نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در نمازهای مستحب دو رکعتی نماز را باطل نمی کند.
- ۲ - شک در رکعتهای نماز سه رکعتی (مغرب).
- ۳ - شک در نماز چهار رکعتی هرگاه یک طرف شک، یک باشد، مثل اینکه شک کند یک رکعت خوانده یا سه رکعت.
- ۴ - شک در نمازهای چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم در حالی که یک طرف شک دو باشد (مانند شک دو و سه قبل از اتمام دو سجده).
- ۵ - شک بین دو و پنج یا بیشتر از پنج.
- ۶ - شک بین سه و شش یا بیشتر (البته این شکها کمتر اتفاق می افتد ولی در عین حال باید حکم آن روشن شود).
- ۷ - شک بین چهار و شش یا بیشتر، ولی در اینجا احتیاط واجب آن است که مانند شک چهار و پنج عمل کند، یعنی بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد و سپس نماز را دوباره بخواند.
- ۸ - شک در عدد رکعتهای نماز که اصلاً نداند چند رکعت خوانده است.

مسألة ۱۰۴۸ - اگر یکی از شکهای باطل در اثناء نماز برای انسان پیش آید نمی تواند فوراً نماز را بشکند، بلکه باید اول مقداری فکر کند اگر شک پا برجا شود نماز را زها می کند.

۲ - شکهایی که اعتبار ندارد

مسألة ۱۰۴۹ - شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد به شرح زیر است:

- ۱ - شک بعد از محل.
- ۲ - شک بعد از سلام.
- ۳ - شک بعد از گذشتن وقت نماز.
- ۴ - شک کثیر الشک یعنی کسی که زیاد شک می کند.

۵ - شک امام و مأموم.

۶ - شک در نمازهای مستحبی و شرح هر یک از اینها در مسائل آینده می آید.

اول - شک بعد از محل

مسألة ۱۰۵۰ - هرگاه در اثناء نماز بعد از گذشتن محل چیزی، شک کند آن را بجا آورده یا نه؛ مثل اینکه بعد از داخل شدن در رکوع، شک در حمد و سوره کند و یا بعد از ورود در سجده شک در رکوع کند، در هیچیک از این موارد نباید به شک خود اعتنا کند، خواه جزء بعدی رکن باشد یا غیررکن.

مسألة ۱۰۵۱ - هرگاه در آیات حمد یا سوره شک کند، مثلاً موقعی که وارد آیه دوم شده شک کند آیه اول را خوانده یا نه؛ یا وارد کلمه‌ای از یک آیه شده، شک کند کلمه قبل را خوانده؛ باید بنا بر احتیاط برگردد و آن را به قصد فریت بجا آورد و بعد دنبال آن را ادامه دهد.

مسألة ۱۰۵۲ - هرگاه بعد از رکوع یا سجود بداند ذکر واجب را گفته اما نمی‌داند با شرایط و به طور صحیح انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسألة ۱۰۵۳ - اگر در حال برخاستن شک کند تشهد را بجا آورده یا نه؛ یا در حالی که به سجده می‌رود شک کند رکوع را بجا آورده یا نه؛ احتیاط واجب آن است که برگردد و بجا آورد.

مسألة ۱۰۵۴ - کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند هرگاه موقعی که حمد و تسبیحات می‌خواند شک کند سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید اعتنا نکند، اما اگر پیش از آنکه مشغول حمد و تسبیحات شود شک کند باید بجا آورد.

مسألة ۱۰۵۵ - هرگاه قبل از گذشتن محل، شک کند و برگردد و بجا آورد، بعد معلوم شود آن جزء را انجام داده بود و بار دوم اضافه بوده، اگر رکن باشد نمازش باطل می‌شود و اگر رکن نباشد صحیح است.

مسألة ۱۰۵۶ - هرگاه بعد از گذشتن محل، شک کند و طبق دستور، اعتنا کرده و بگذرد، بعد متوجه شود که آن عمل مشکوک را انجام نداده، هرگاه وارد رکن بعد نشده باید برگردد و بجا آورد و اگر وارد رکن بعد شده نمازش صحیح است، مگر آنکه آن جزء مشکوکی که

ترک شده رکن باشد.

مسألة ۱۰۵۷ - هرگاه شک کند که «سلام» نماز را گفته یا نه؛ یا شک کند درست گفته یا نه؛ چنانچه وارد نماز دیگری شده، یا مشغول کاری است که نماز را به هم می‌زند، و از حال نمازگزار بیرون رفته باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینهاست باید برگردد و سلام را بگوید.

دوم - شک بعد از سلام

مسألة ۱۰۵۸ - هرگاه بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بود یا نه؛ خواه شک مربوط به عدد رکعت‌های نماز باشد یا شرایط نماز، مانند قبله و طهارت و یا اجزای نماز مانند رکوع و سجود، به شک خود اعتنا نمی‌کند.

سوم - شک بعد از وقت

مسألة ۱۰۵۹ - هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز را خوانده یا نه؛ یا حتی گمان کند نخوانده است، به شک اعتنا نکند، ولی هرگاه پیش از گذشتن وقت نماز شک کند، باید نماز را بجا آورد، حتی اگر گمان دارد نماز را خوانده کافی نیست.

مسألة ۱۰۶۰ - هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بدانند بدانند فقط چهار رکعت نماز خوانده، ولی ندانند به نیت ظهر بوده یا عصر؛ باید چهار رکعت نماز قضا به نیت ما فی الذمه (یعنی نمازی که بر او واجب است) خواه ظهر یا عصر بجا آورد، اما اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا بدانند یکی از آن دو نماز را بجا آورده ولی ندانند مغرب بوده یا عشا؛ باید هم نماز مغرب را قضا کند و هم عشا را.

چهارم - کثیر الشک

مسألة ۱۰۶۱ - «کثیر الشک» یعنی کسی که زیاد شک می‌کند نباید به شک خود اعتنا کند، خواه در عدد رکعات نماز باشد، یا در اجزای نماز، یا شرایط نماز.

مسألة ۱۰۶۲ - کثیر الشک کسی است که بگویند زیاد شک می‌کند و اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند یا در سه نماز پشت سر هم شک کند «کثیر الشک» است.

مسأله ۱۰۶۳ - هرگاه به خاطر یک حالت فوق العاده مانند بیماری، غضب یا مصیبت موقتاً گرفتار حالت کثرت شک شود باید به شک خود اعتنا کرده و مطابق احکام آن رفتار کند.

مسأله ۱۰۶۴ - منظور از اعتنا نکردن به شک این است که آن طرف را که به نفع اوست بگیرد، مثلاً اگر شک کند سجده یا رکوع را بجا آورده؛ بنا بگذارد که بجا آورده است، هر چند از محل آن نگذشته است، یا اگر شک کند نماز صبح را دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است.

مسأله ۱۰۶۵ - کسی که فقط در یک مورد نماز زیاد شک می کند (مثلاً در حمد و سوره) چنانچه در چیزهای دیگر شک کند باید به دستور شک عمل نماید، تنها در موردی که زیاد شک می کند اعتنا نخواهد کرد، همچنین اگر کسی در نماز معینی مانند نماز صبح زیاد شک می کند، فقط در آن باید اعتنا نکند و نیز اگر کسی در مکان مخصوصی (مثلاً وقتی در میان جمع نماز می خواند) زیاد شک می کند فقط در همانجا اعتنا به شک خود نمی کند.

مسأله ۱۰۶۶ - هرگاه انسان شک کند کثیرالشک شده یا نه؛ بنا می گذارد بر اینکه کثیرالشک نشده و به عکس اگر کثیرالشک بوده، تا یقین نکند به حال معمولی برگشته، باید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۱۰۶۷ - کسی که زیاد شک می کند اگر شک کند رکعتی را بجا آورده یا نه (مانند رکوع) و به آن اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده است، چنانچه وارد رکن بعد تشده باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است، ولی اگر غیر رکن باشد و بعد یادش بیاید که بجا نیاورده، چنانچه وارد رکن بعد نشده بجا می آورد و اگر وارد رکن بعد شده بر نمی گردد و نمازش صحیح است.

مسأله ۱۰۶۸ - اشخاص و مواسی باید به یقین و شک خود عمل نکنند بلکه مطابق اشخاص معمولی عمل کنند خواه یقین برای آنها حاصل شود یا نه، و الا در بسیاری از موارد نمازشان باطل خواهد بود.

پنجم - شک امام و مأموم

مسأله ۱۰۶۹ - اگر امام جماعت در عدد رکعتهای نماز شک کند، مثلاً نداند سه رکعت

خوانده یا چهار رکعت؟ هرگاه مأموم بدانند چهار رکعت خوانده با علامتی به امام می فهماند و امام باید مطابق آن عمل کند و به عکس اگر امام می داند چند رکعت خوانده، ولی مأموم شک می کند، باید از امام پیروی کند و به شک خود اعتنا نکند.

مسألة ۱۰۷۰ - برای آگاه کردن امام ممکن است به عدد رکعات نماز دست بر زانو بزنند، یا «الله اکبر» بگویند و یا به هر ترتیب دیگر که سخن گفتن و کاری بر خلاف نماز انجام دادن در آن نباشد، ولی نباید قبل از امام برخیزد و نماز خود را ادامه دهد.

ششم - شک در نماز مستحبی

مسألة ۱۰۷۱ - هرگاه در عدد رکعت‌های نماز مستحبی شک کند مخیر است بنا را بر کمتر بگذارد یا بیشتر، مگر اینکه طرف بیشتر، نماز را باطل کند که در این صورت بنا را بر کمتر می گذارد، مثلاً اگر شک میان یک و دو کند مخیر است بنا را بر یک یا دو بگذارد، اما اگر شک در میان دو و سه کند حتماً بنا را بر دو، می گذارد.

مسألة ۱۰۷۲ - کم و زیاد شدن رکن در نافله نیز اشکال دارد.

مسألة ۱۰۷۳ - شک در افعال نماز مستحب با نماز واجب فرق ندارد، مثلاً اگر شک در حمد یا رکوع کند چنانچه محل آن نگذشته است باید بجا آورد و اگر محل آن گذشته است اعتنا نکند.

مسألة ۱۰۷۴ - در نمازهای مستحبی بنا بر احتیاط واجب باید به ظن و گمان خود عمل کند، تا آنجا که نماز را باطل نمی کند، مثلاً اگر گمانش به دو رکعت می رود بنا بر آن بگذارد و اگر گمانش به سه رکعت می رود باید بنا بر همان دو بگذارد.

مسألة ۱۰۷۵ - نمازهای مستحب سجده سهو ندارد، یعنی اگر کاری کند که در نمازهای واجب سجده سهو دارد، در نمازهای مستحب سجده سهو لازم نیست، همچنین سجده و تشهد فراموش شده در نمازهای مستحب قضا ندارد.

مسألة ۱۰۷۶ - هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز نافله شک کند آن را بجا آورده یا نه؟ اعتنا نکند و اگر وقت باقی است بجا آورد.

۳ - شکهای صحیح

مسأله ۱۰۷۷ - چنانچه گفته شد شک در عدد رکعتهای نمازهای چهار رکعتی در سه صورت صحیح است:

اول - شک میان «دو و سه» بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بگذارد که سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به دستوری که بعداً گفته می شود بجا آورد و اگر در سجده دوم بعد از ذکر واجب شک کند بنا بر احتیاط واجب همین دستور را عمل کند، بعداً نماز را هم اعاده نماید (این حکم در تمام مواردی که شک باید بعد از تمام کردن سجده دوم باشد جاری است).

دوم - شک میان «سه و چهار» که در هر جای نماز باشد بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام کرده و بعد از آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته، بجا می آورد.

سوم - شک میان «دو و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

چهارم - شک میان «دو و سه و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا را بر چهار بگذارد و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، سپس دو رکعت نشسته بجا آورد.

پنجم - شک میان «چهار و پنج» بعد از سر برداشتن از سجده دوم که بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از آن دو سجده سهو بجا می آورد.

ششم - شک میان «چهار و پنج» در حال ایستاده که باید بنشیند تا شک او تبدیل به سه و چهار شود و بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند بعد یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته بجا می آورد و احتیاط واجب آن است که نماز را نیز اعاده کند.

هفتم - شک بین «سه و پنج» در حال ایستاده که باید بنشیند و شک او به دو و چهار برمی گردد، بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند، سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا می آورد و بنا بر احتیاط واجب اصل نماز را نیز اعاده می کند.

هشتم - شک بین «سه و چهار و پنج» در حال ایستاده که باید بنشیند و شک او به دو و سه و چهار برمی گردد، بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تکمیل کرده، سپس دو رکعت نماز

احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجای می آورد و احتیاطاً اصل نماز را اعاده می کند. نهم - شک میان پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند و شک او به چهار و پنج بر می گردد، نماز را تمام کرده و دو سجده سهو بجای می آورد و بنا بر احتیاط اصل نماز را اعاده می کند.

مسألة ۱۰۷۸ - هرگاه یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید نمی تواند نماز را بشکند، بلکه باید به دستورهای بالا عمل کند و در مورد تمام شکها باید قبلاً کمی فکر کند اگر یقین به هیچ طرف حاصل نشد و با گمان در مواردی که معتبر است بر هیچ طرف قرار نگرفت، چنانچه از شکهای باطل باشد نماز را رها می کند و اگر از شکهای صحیح باشد به دستور آن عمل می نماید.

مسألة ۱۰۷۹ - وطن و گمان در رکعات نماز در حکم یقین است، یعنی باید بنا بر گمان بگذارد و نماز را ادامه دهد، ولی اگر در رکعت اول و دوم باشد احتیاط واجب این است که نماز را بعداً نیز اعاده کند.

مسألة ۱۰۸۰ - هرگاه در ابتدا گمانش به یک طرف قرار گرفت و بعد هر دو مساوی شد و حالت شک پیدا کرد، باید به دستور شک عمل کند و به عکس اگر نخست حالت شک داشت و بعد گمانش بیشتر به یک طرف شد، باید مطابق گمان عمل کند، ولی اگر شک از شکهایی است که نماز را باطل می کند و با برجا شد باید نماز را از سر گیرد و مبدل شدن آن به ظن اثری ندارد.

مسألة ۱۰۸۱ - کسی که نمی داند حالتی که برای او پیدا شده است «شک» است یا «ظن» باید به احکام شک عمل کند.

مسألة ۱۰۸۲ - هرگاه مشغول تشهد است، یا وارد رکعت بعد شده و شک کند آیا دو سجده را بجای آورده یا نه؛ و در همان موقع یکی از شکهایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح است برای او پیش آید (مثلاً شک میان دو و سه) باید بنا بگذارد که سجده ها را بجای آورده و به دستور شک عمل کند و نمازش صحیح است، ولی اگر قبل از گذشتن از محل سجده شک کند نمازش باطل است.

مسألة ۱۰۸۳ - هرگاه شک او از بین برود و شک دیگری به جای آن پیدا شود، باید به شک دوم عمل کند، مثلاً اگر شک در میان دو و سه بود، بعد یقین کرد سه رکعت را خوانده و

شک میان سه و چهار کرد، باید به دستور شک سه و چهار عمل کند.

مسألة ۱۰۸۴ - هرگاه می داند در وسط نماز شک کرده، اما نمی داند مثلاً شک دو و سه بوده، یا دو و چهار، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را نیز اعادة نماید.

مسألة ۱۰۸۵ - کسی که نشسته نماز می خواند اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نماز نشسته بجا آورد و اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند باید دو رکعت نشسته بجا آورد، همچنین در سایر شکها.

مسألة ۱۰۸۶ - کسی که نماز ایستاده می خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می خواند و حکم آن در مسأله قبل گذشت نماز احتیاط را بجا آورد و به عکس کسی که نماز نشسته می خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می خواند عمل کند.

طریقه نماز احتیاط

مسألة ۱۰۸۷ - نماز احتیاط که برای شک در رکعتهای نماز بجا آورده می شود به این ترتیب است که بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و الله اکبر بگوید و حمد را بخواند (و سوره را ترک کند) بعد به رکوع رود و مانند نمازهای معمولی سجده نماید، اگر نماز احتیاط او یک رکعت است بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت است بعد از دو سجده یک رکعت دیگر را مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

مسألة ۱۰۸۸ - نماز احتیاط اذان و اقامه و سوره و قنوت ندارد و حمد را باید آهسته بخواند، حتی احتیاط واجب آن است که «بسم الله» را نیز آهسته بگوید و در میان اصل نماز و نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می کند انجام ندهد.

مسألة ۱۰۸۹ - هرگاه قبل از خواندن نماز احتیاط متوجه شود نمازی را که خوانده است درست بوده، نماز احتیاط لازم نیست و اگر در وسط نماز احتیاط بفهمد می تواند آن را رها کند.

مسألة ۱۰۹۰ - هرگاه پیش از خواندن نماز احتیاط متوجه شود که رکعتهای نمازش کم بوده، مثلاً به جای چهار رکعت سه رکعت خوانده، چنانچه کاری که نماز را باطل کند انجام نداده باید آن مقدار را که کم خوانده است انجام دهد و برای سلام بی جا احتیاطاً دو سجده سهو بجا می آورد و اگر کاری که نماز را باطل می کند انجام داده باید نماز را اعاده کند.

مسألة ۱۰۹۱ - هرگاه بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش درست به اندازه نماز احتیاط بوده (مثلاً در شک میان سه و چهاره یک رکعت نماز احتیاط بخواند و بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده) نمازش صحیح است و اگر بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده بنابر احتیاط واجب باید کسری نماز را بلافاصله بجا آورد و اصل نماز را هم اعاده کند و اگر بفهمد کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل کند انجام نداده، احتیاط واجب این است کسری نماز را بجا آورد و اصل نماز را هم اعاده کند.

مسألة ۱۰۹۲ - اگر کسی شک کند نماز احتیاطی که بر او واجب بوده بجا آورده است یا نه؛ چنانچه بعد از وقت نماز باشد به شک خود اعتنا نکند و اگر هنوز وقت نماز باقی است در صورتی که مشغول کار دیگری نشده باید نماز احتیاط را بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می کند بجا آورده است احتیاط واجب آن است که نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند.

مسألة ۱۰۹۳ - دستور نماز احتیاط از نظر کم و زیاد کردن رکن و اجزای غیر رکن و شک در بجا آوردن اجزا مانند سایر نمازهای واجب است.

مسألة ۱۰۹۴ - اگر در عدد رکعتهای نماز احتیاط نیز شک کند باید بنا را بر بیشتر بگذارد، اما اگر طرف بیشتر نماز را باطل می کند، بنا را بر کمتر می گذارد و نمازش صحیح است.

مسألة ۱۰۹۵ - برای کم و زیاد کردن اجزاء نماز احتیاط از روی سهو، سجده سهو واجب نیست.

مسألة ۱۰۹۶ - اگر در نماز احتیاط تشهد یا سجده را فراموش کند احتیاط واجب آن است که بعد از سلام، قضای آن را بجا آورد.

مسألة ۱۰۹۷ - هرگاه قضای سجده یا قضای تشهد یا سجده سهو بر او واجب شده و در عین حال نماز احتیاط نیز بر او واجب است باید اول نماز احتیاط را بجا آورد، بعد قضای

سجده یا تشهد را و بعد سجده سهو را.

مسأله ۱۰۹۸ - احکامی که دربارهٔ «شک» و «سهو» و «ظن» در نمازهای واجب روزانه گفته شد، در سایر نمازهای واجب نیز همیناً وجود دارد، مثلاً اگر در نماز آیات شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت؛ چون شک او در نماز دو رکعتی است نماز باطل می‌شود، همچنین سایر احکام شک و سهو و ظن.

مواردی که سجده سهو واجب است

مسأله ۱۰۹۹ - برای چند چیز بنا بر احتیاط واجب باید بعد از نماز دو سجده سهو به دستوری که گفته می‌شود بجا آورد:

- ۱ - کلام بی‌جا، یعنی سهواً به گمان اینکه نماز تمام شده حرف بزند.
 - ۲ - سلام بی‌جا، یعنی مثلاً در رکعت دوم نماز چهار رکعتی سلام بدهد.
 - ۳ - سجده فراموش شده.
 - ۴ - تشهد فراموش شده.
 - ۵ - بجای ایستادن سهواً بنشیند، یا بجای نشستن برخیزد.
 - ۶ - در شک میان چهار و پنج بعد از سجدهٔ دوم واجب است نماز را تمام کند، بعداً دو سجده سهو بجا آورد و برای کم و زیاد کردن غیر اینها سجده سهو مستحب است.
- مسأله ۱۱۰۰ - اگر چیزی را غلط خوانده و دوباره به طور صحیح بخواند سجده سهو ندارد.

مسأله ۱۱۰۱ - اگر در نماز چند کلمه یا چند جمله بگوید به طوری که از صورت نماز گزار خارج نشود و همهٔ آن یکی حساب شود، دو سجده سهو برای همه کافی است.

مسأله ۱۱۰۲ - هرگاه اشتهاً «السلام علیک ایها النبی و رحمتالله و برکاته» را بگوید سجده سهو واجب نیست، بلکه مستحب است، ولی اگر مقداری از دو سلام دیگر را بگوید احتیاط واجب انجام سجده سهو است و هرگاه هر سه سلام را در جایی که نباید سلام دهد از روی اشتباه بگوید دو سجده سهو برای همه کفایت می‌کند.

مسأله ۱۱۰۳ - اگر سجده سهو واجب را بعد از سلام نماز همداً بجا نیاورده معصیت کرده و باید هرچه زودتر بجا آورد، ولی نمازش باطل نیست.

مسألة ۱۱۰۴ - اگر شکی دارد کاری که موجب سجده سهو می شود انجام داده یا نه، چیزی بر او نیست و اگر شک کند دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار سجده سهو، همان دو سجده کافی است.

دستور سجده سهو

مسألة ۱۱۰۵ - سجده سهو به ترتیب زیر است بعد از نماز یلافاصله نیت سجده سهو می کند و بعد به سجده می رود و می گوید: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ سپس سر از سجده بر می دارد و می نشیند، دوباره به سجده می رود و همان ذکر را می گوید و بعد از آنکه سر از سجده برداشت تشهد می خواند و سلام می دهد و احتیاط آن است که در تشهد به مقدار واجب اکتفا کند و تنها به سلام آخر قناعت نماید.

مسألة ۱۱۰۶ - سجده سهو باید رو به قبله و با حالت وضو و طهارت باشد و پیشانی را نیز بر چیزی گذارد که سجده نماز بر آن جایز است.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسألة ۱۱۰۷ - هرگاه کسی یک یا چند سجده نماز را فراموش کرد باید قضای آن را بعد از نماز بجا آورد (البته اگر دو سجده از یک رکعت فراموش شود نماز باطل است) همچنین اگر تشهد را فراموش نماید باید بلافاصله بعد از نماز آن را قضا کند و علاوه بر قضای سجده و تشهد باید برای هر کدام بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد (ولی چنانکه قبلاً نیز گفته شد تشهد سجده سهو، کفایت از تشهد فراموش شده می کند).

مسألة ۱۱۰۸ - در قضای سجده و تشهد فراموش شده تمام شرایط نماز مانند طهارت و قبله و شرطهای دیگر لازم است و باید بلافاصله بعد از نماز انجام دهد.

مسألة ۱۱۰۹ - اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده اول قضا کند و اگر نداند کدام یک را اول فراموش کرده احتیاطاً یک سجده و بعد یک تشهد و بار دیگر یک سجده بجا می آورد، تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده قضا کرده است.

مسألة ۱۱۱۰ - هرگاه بعد از نماز کاری کند که صورت نماز را به هم می زند یا نماز را باطل

می‌کند (مثل اینکه پشت به قبله کند) باید قضای سجده و تشهد را بجا آورد و نماز را بنا بر احتیاط واجب اعاده کند و اگر کاری کند که سجده سهو می‌آورد، بعد از قضای سجده یا تشهد احتیاط آن است که سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۱۱۱۱ - اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه؛ واجب نیست قضا کند و اگر می‌داند یکی را فراموش کرده، اما نمی‌داند کدام یک بوده، هر دو را قضا کند و هر کدام را اول بجا آورد مانعی ندارد.

مسئله ۱۱۱۲ - هرگاه علاوه بر قضای سجده یا تشهد، سجده سهو نیز بر ذمه او باشد، باید بعد از نماز اول سجده یا تشهد را قضا کند و بعد سجده سهو را بجا آورد.

مسئله ۱۱۱۳ - هرگاه شک کند که آیا قضای سجده یا تشهد فراموش شده که بر عهده او بود بعد از نماز بجا آورده یا نه؛ چنانچه وقت نماز نگذشته سجده یا تشهد را قضا نماید و اگر گذشته نیز بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن را بجا آورد و نماز او صحیح است.

مسئله ۱۱۱۴ - برای قضای سجده یا تشهد بعد از نماز نیت می‌کند، سپس همان سجده یا تشهد را بدون الله اکبر و چیز اضافی دیگر قضا می‌کند و بعد بنا بر احتیاط سجده سهو بجا می‌آورد.

خلل در اجزاء و شرایط نماز

مسئله ۱۱۱۵ - اگر چیزی از واجبات نماز را عمداً کم و زیاد کند نماز او باطل است، اما اگر به واسطه ندانستن مسئله باشد اگر آن جزء از ارکان نماز است، نماز باطل می‌شود و اگر غیر ارکان است، نمازش صحیح است به شرط اینکه جاهل قاصر باشد، یعنی دسترسی یاری گرفتن مسئله نداشته باشد.

مسئله ۱۱۱۶ - هرگاه سهواً چیزی از اجزای نماز را کم و زیاد کند اگر از ارکان نماز باشد نماز باطل است و اگر از غیر ارکان باشد نماز صحیح است و در صورتی که شرایطی مثل وضو یا غسل انجام نشده باشد نماز باطل است، خواه عمداً باشد یا سهواً.

مسئله ۱۱۱۷ - اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده، باید آن را بجا آورد و نمازش صحیح است، ولی اگر بعد از سلام متوجه شود چنانچه کاری که نماز را عمداً و سهواً باطل می‌کند (مانند پشت به قبله کردن) انجام داده

نماز باطل است و اگر انجام نداده باید بلافاصله رکعتهای فراموش شده را بجا آورد و نمازش صحیح است و احتیاط واجب آن است که سجده سهو برای سلام بیجا انجام دهد. **مسألة ۱۱۱۸** - هرگاه بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده، یا پشت به قبله بجا آورده، باید آن را اعاده کند و اگر وقت گذشته قضا نماید، اما اگر سهواً نماز را به طرف راست یا چپ خوانده باطل نیست.

نماز مسافر

- مسألة ۱۱۱۹** - مسافر با «هشت شرط» باید نمازهای چهاررکعتی را دو رکعت بجا آورد: شرط اول - سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد (حدود ۴۳ کیلومتر).
مسألة ۱۱۲۰ - کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است باید نماز را شکسته بخواند، خواه رفتنش چهار فرسخ (۲۱/۵ کیلومتر تقریباً) باشد یا کمتر یا بیشتر، همین اندازه که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ باشد نماز شکسته است و خواه در همان روز و شب برگردد یا فاصله‌ای بیفتد، مگر اینکه در وسط این مسافت، ده روز قصد اقامه کند.
مسألة ۱۱۲۱ - اگر شک دارد سفر او هشت فرسخ است یا نه؛ نباید نماز را شکسته بخواند، ولی در صورت شک باید از کسانی که به آن راه آشنا هستند تحقیق کند، مگر اینکه مشقت زیادی داشته باشد.
مسألة ۱۱۲۲ - مقدار مسافت را از راههای مختلف می‌توان دریافت؛ نخست اینکه خودش اندازه‌گیری کرده و یقین حاصل کند، دوم اینکه در میان مردم معروف باشد، سوم اینکه شخص مورد اعتمادی خبر دهد.
مسألة ۱۱۲۳ - هرگاه یقین دارد سفر او هشت فرسخ است و نماز را شکسته بخواند، بعد بفهمد هشت فرسخ نبوده، نمازش باطل است و باید آن را اعاده کند و چهار رکعت بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید، اما اگر یقین داشت مسافت مورد نظر هشت فرسخ نیست و در اثناء راه فهمید که هشت فرسخ بوده باید نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده اعاده کند.
مسألة ۱۱۲۴ - اگر میان دو محلی که فاصله آن کمتر از چهار فرسخ است چند مرتبه رفت و آمد کند نماز او شکسته نخواهد بود، هر چند روی هم رفته هشت فرسخ و بیشتر شود مگر

اینکه عرفاً به او مسافر بگویند و در این صورت بنا بر احتیاط هم نماز را تمام و هم شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۲۵ - هرگاه محلی دو راه دارد که یکی کمتر از هشت فرسخ و دیگری هشت فرسخ یا بیشتر است، اگر از راه اول برود باید تمام بخواند و اگر از راه دوم برود نمازش شکسته است.

مسألة ۱۱۲۶ - برای حساب مسافت هشت فرسخ باید از آخرین خانه‌های شهر حساب کرد.

مسألة ۱۱۲۷ - شرط دوم این است که از اول، قصد هشت فرسخ را داشته باشد، بنا بر این اگر اول می‌خواهد به محلی که کمتر از هشت فرسخ است برود و در وسط راه یا پس از رسیدن به آن مقصد قصد کند مسافت خود را ادامه دهد به طوری که مجموع مسافت او هشت فرسخ باشد، چون از اول قصد نداشته باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر در اثنا، یا پس از رسیدن به مقصد قصد کند از آنجا هشت فرسخ یا بیشتر برود، نماز او شکسته است.

مسألة ۱۱۲۸ - کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌رود و نمی‌داند چه مقدار باید برود تا مقصود خود را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند، ولی در برگشتن چنانچه تا وطن یا محل اقامتش هشت فرسخ یا بیشتر باشد نماز او شکسته است.

مسألة ۱۱۲۹ - کسی که قصد هشت فرسخ دارد باید نمازش را شکسته بخواند، هر چند هر روز مقدار کمی راه برود ولی به اندازه‌ای باشد که به او مسافر گویند.

مسألة ۱۱۳۰ - کسی که اختیارش در سفر با دیگری است مانند پسری که با پدر خود مسافرت می‌کند، چنانچه بداند سفر پدرش هشت فرسخ است باید نماز را شکسته بخواند، حتی اگر کسی را به اجبار به جایی می‌برند (مانند زندانی) و بداند مسافت او هشت فرسخ یا بیشتر است همین حکم را دارد، مگر اینکه احتمال عقلایی بدهد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از آنها جدا می‌شود و برمی‌گردد.

مسألة ۱۱۳۱ - شرط سوم اینکه در بین راه از قصد خود برنگردد، بنا بر این اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد، یا مردد شود باید نماز را تمام بخواند، اما اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافت خود منصرف شود، باید نماز را شکسته بخواند،

مگر اینکه مردد در ماندن و برگشتن باشد و یا بخواهد همانجا ده روز بماند.

مسئله ۱۱۳۲ - هرگاه بخواهد به محلی که هشت فرسخ یا بیشتر است برود، اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در آنجا مقداری متوقف شود و بعد تصمیم بگیرد بقیه راه را ادامه دهد باید نماز را شکسته بخواند و اگر در حال تردید مقداری از مسافت را طی کند سپس تصمیمش بر ادامه راه شود، چنانچه باقیمانده راه با آنچه قبلاً با قصد طی کرده هشت فرسخ یا بیشتر باشد نماز را شکسته می خواند.

مسئله ۱۱۳۳ - شرط چهارم این است که قبل از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود عبور نکند و نخواهد ده روز یا بیشتر در اثناء راه توقف کند، پس اگر به وطن خود وارد شود سفر او قطع می گردد و همچنین اگر به محل اقامه برسد، حتی اگر تردید دارد که از وطنش بگذرد یا در جایی ده روز اقامه کند باز هم نماز او تمام است.

مسئله ۱۱۳۴ - شرط پنجم اینکه سفر او برای کار حرامی نباشد بنابراین اگر به قصد دزدی، خیانت، یا کار حرام دیگری سفر کند، باید نماز را تمام بخواند، همچنین اگر خود سفر حرام باشد مثل اینکه چنان مسافرتی برای بدن او ضرر قابل ملاحظه ای دارد، یا زن بدون اجازه شوهر سفر کند (بنا بر احتیاط واجب) یا فرزند با نهی پدر و مادر سفر نماید به طوری که ماهه اذیت آنها شود، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر سفر واجبی مانند حج واجب بوده باشد رضایت شوهر و پدر و مادر شرط نیست و نماز شکسته است.

مسئله ۱۱۳۵ - هرگاه خود سفر حرام نباشد و به منظور کار حرامی نیز سفر نمی کند، ولی در اثناء سفر، معصیت یا معصیتهایی انجام می دهد، مثل اینکه در سفر شراب بخورد، یا غیبت کند و به مردم ظلم نماید، نماز او شکسته است.

مسئله ۱۱۳۶ - هرگاه برای فرار از انجام کار واجبی مسافرت نماید، مثل اینکه بدهکار است و می تواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه می کند، اما او برای فرار از پرداخت بدهی مسافرت نماید، باید نماز را تمام بجا آورد، ولی اگر چنین قصدی را ندارد باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۱۳۷ - اگر سفر حرام نیست، ولی سوار بر مرکب غصبی شود، یا در زمین غصبی مسافرت می کند، بنا بر احتیاط جمع میان نماز شکسته و تمام کند، یعنی هم نماز دو رکعتی و هم چهار رکعتی بجا آورد.

مسأله ۱۱۳۸ - هرگاه کسی همراه ظالمی سفر کند و مسافرت او کمک به ظالم محسوب شود سفر او حرام است و نمازش را باید تمام بخواند، مگر آنکه مجبور باشد یا برای انجام وظیفه مهمتری مانند نجات جان مظلومی با او سفر کند که در این صورت نمازش شکسته است.

مسأله ۱۱۳۹ - مسافرت به قصد تفریح و گردش و استفاده از آب و هوا و مانند آن تا آنجا که موجب اسراف و کار حرام دیگری نباشد جایز است و نماز را باید شکسته بخواند.

مسأله ۱۱۴۰ - کسی که برای امرار معاش به شکار می رود سفرش حلال و نمازش شکسته است، همچنین اگر برای فراهم کردن در آمد بیشتر باشد، اما کسانی که برای لهو و تفریح و خوشگذرانی به شکار می روند سفرشان حرام و نمازشان را باید تمام بخوانند.

مسأله ۱۱۴۱ - کسی که از سفر معصیت بر می گردد اگر توبه کرده و تا محلی که می خواهد برگردد هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند، همچنین اگر توبه نکرده ولی در بازگشت آلوده به معصیت نیست.

مسأله ۱۱۴۲ - هرگاه کسی که سفرش سفر معصیت است در اثناء راه از قصد خود برگردد، چنانچه باقیمانده راه هشت فرسخ یا بیشتر باشد و یا مجموع رفتن و برگشتن هشت فرسخ است باید نماز را شکسته بخواند، ولی به عکس اگر به قصد معصیت سفر نکرده، ولی در بین راه قصدش تغییر کند و بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند، اما آنچه را قبلاً شکسته خوانده اشکالی ندارد.

مسأله ۱۱۴۳ - شرط ششم آن است که از «صحرائشینهای خانه به دوش» که وطن خاصی ندارند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیواناتشان فراهم باشد توقف می کنند نباشد، این اشخاص باید در این مسافرتها نمازشان را تمام بخوانند و روزه را بگیرند.

مسأله ۱۱۴۴ - هرگاه «صحرائشین خانه به دوش» مانند مردم دیگر برای زیارت خانه خدا، یا تجارت، یا مسافرت دیگری غیر از آن مسافرت که جزء زندگی اوست برود باید نماز را شکسته بخواند.

مسأله ۱۱۴۵ - شرط هفتم این است که شغل و کار او مسافرت نباشد، بنابراین راننده ها، خلبانها، کشتیبانها و ساریانها و مانند آنها که سفر شغل آنهاست باید نماز را تمام بخوانند هر چند در سفر اول باشد.

مسألة ۱۱۴۶ - کسی که شغلش مسافرت نیست، ولی مسافرت مقدمه شغل اوست، مانند معلم و کارگر و کارمندی که خودش ساکن شهری است و همه روز برای انجام کار به نقطه دیگری می‌رود که رفت و آمد او هشت فرسخ یا بیشتر است، باید نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد.

مسألة ۱۱۴۷ - کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری غیر از شغل خود (مثلاً برای حج یا زیارت یا مقصد دیگری) مسافرت کند، باید مانند سایر مسافران نماز را شکسته بخواند، ولی اگر راننده‌ای اتومبیل خود را برای زیارت کرایه دهد و در ضمن خودش هم زیارت کند باید نماز را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۴۸ - کسانی که راهنمای حج و مدیر کاروان حجاج و مانند آن می‌باشند، در صورتی که مسافرت جزء پامقدمه شغل آنها محسوب شود و این کار مدت قابل ملاحظه‌ای (حدود چند ماه) به طول انجامد باید نماز را تمام بخوانند.

مسألة ۱۱۴۹ - کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است مثل شوفری که فقط در تابستان یا زمستان کار رانندگی می‌کند، باید در سفری که مشغول به کارش هست نماز را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۵۰ - کسی که شغلش رانندگی داخل شهرهاست اگر اتفاقاً به سفر خارج از شهر برود و هشت فرسخ و بیشتر باشد نمازش شکسته است، اما کسی که هم رانندگی داخل شهر می‌کند و هم راننده بیابانی است وقتی به خارج شهر می‌رود نماز را باید تمام بخواند.

مسألة ۱۱۵۱ - کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در محلی بماند خواه وطن او باشد یا نه و خواه از اول، قصد ده روز را داشته یا نه، بنابر احتیاط باید در سفر اول که بعد از ده روز می‌رود نماز را شکسته بخواند و هم تمام و اگر شک کند که ده روز مانده یا نه، باید نمازش را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۵۲ - کسانی که برای خود وطنی اختیار نکرده‌اند و به سیاحت و جهانگردی مشغولند باید نماز را تمام بخوانند.

مسألة ۱۱۵۳ - کسی که شغلش مسافرت نیست، ولی در شهر یا دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت‌های بی در پی می‌کند باید نماز را شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۵۴ - کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می‌خواهد وطن دیگری برای خود

انتخاب کند باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند، مگر آنکه سفرش طولانی شود و جزء افراد خانه به دوش حساب شود.

مسألة ۱۱۵۵ - شرط هشتم آن است که به «حد ترخص» برسد، یعنی از وطن یا محل اقامتش به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان شهر را نشنود و مردم شهر او را نبینند، اما دیدن و ندیدن دیوارهای شهر اثری ندارد، ولی باید در هواگرد و غبار یا مه یا چیز دیگری که مانع دیدن است یا سرو صدایی که مانع شنیدن است وجود نداشته باشد و اگر یکی از این دو علامت حاصل شود کافی است، به شرط اینکه یقین به نبودن دیگری نداشته باشد، و الا احتیاط جمع میان نماز شکسته و تمام است.

مسألة ۱۱۵۶ - معیار در شهرها شهرهای معمولی است و اگر شهری زیاد درگودی یا در بلندی قرار گرفته باشد باید مطابق شهرهای معمولی با آن رفتار کرد، یعنی ببینیم چه اندازه مسافت سبب می‌شود که در شهرهای معمولی انسان صدای اذان شهر را نشنود و اهالی شهر او را نبینند.

مسألة ۱۱۵۷ - هرگاه شک کند به حد ترخص رسیده یا نه، یا نداند صدایی را که می‌شنود صدای اذان است یا صدای دیگر، باید نماز را تمام بخواند، اما اگر بفهمد صدای اذان است ولی کلمات آن قابل تشخیص نباشد احتیاط جمع است.

مسألة ۱۱۵۸ - هرگاه به جایی برسد که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند نشود نمازش شکسته است، هر چند اذانی را که با بلندگوهای قوی می‌گویند بشنود و اگر کسی گوش و چشمش از معمول ضعیف‌تر یا بسیار قوی‌تر است اعتباری به آن نیست بلکه اعتبار به گوش و چشمهای معمولی است.

مسألة ۱۱۵۹ - هرگاه کسی در اثناء مسافرت به وطنش برسد نمازش در آنجا تمام است، ولی اگر می‌خواهد سفر خود را از آنجا هشت فرسخ یا بیشتر ادامه دهد وقتی به حد ترخص رسید باید نماز را شکسته بخواند.

چیزهایی که سفر را قطع می‌کند

مسألة ۱۱۶۰ - چند چیز است که سفر را قطع می‌کند و باید نماز را تمام خواند:
اول - رسیدن به «وطن» و منظور از وطن محلی است که انسان آن را برای اقامت و زندگی

خود انتخاب کرده، خواه در آنجا متولد شده باشد یا نه و خواه وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آنجا را انتخاب کرده است.

مسألة ۱۱۶۱ - هرگاه انسان جاهی را برای محل اقامت خود انتخاب کند به طوری که وقتی در آنجاست او را مسافر نمی‌گویند، خواه قصد اقامت دائم داشته باشد یا موقت، مثلاً می‌خواهد دو سال یا بیشتر در آنجا بماند این محل در حکم وطن می‌باشد و همین‌گونه است حال مأموران ادارات که ممکن است هر چند سال در محلی باشند و آنجا حکم وطنشان را دارد.

مسألة ۱۱۶۲ - ممکن است کسی در دو محل زندگی کند، مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر، هر دو وطن او محسوب می‌شود و حتی ممکن است انسان دارای سه وطن باشد.

مسألة ۱۱۶۳ - هرگاه انسان در محلی زندگی می‌کرده و وطن او بوده، چنانچه از آنجا اعراض کند، یعنی دیگر قصد نداشته باشد در آنجا زندگی کند، هر چند گاهی به عنوان مسافرت و دیدار بستگان و دوستان به آنجا برود، نمازش در آنجا شکسته است، خواه در آنجا ملکی داشته باشد یا نه و خواه اقوام و بستگانش در آنجا زندگی کنند یا نکنند، مگر اینکه قصد کند در آنجا ده روز بماند، همچنین اگر انسان غیر از وطن اصلی خود جای دیگری را برای زندگی انتخاب کند و شش ماه یا کمتر و بیشتر در آنجا بماند بعد، از آنجا اعراض نماید نمازش در آنجا شکسته است، خواه ملکی در آنجا داشته باشد یا نه.

مسألة ۱۱۶۴ - دوم - قصد اقامت ده روز - هرگاه مسافری می‌خواهد ده روز پشت سر هم در محلی بماند، یا می‌داند اجباراً باید در آنجا توقف کند باید نماز را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۶۵ - آنچه برای قصد اقامه که در مسأله پیش گفته شد لازم است ماندن ده روز است و اما شب قبل از آن و شب بعد از آن لزومی ندارد، بنابراین اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بماند (یعنی ده روز و نه شب) باید نماز را تمام بخواند، همچنین اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم توقف کند.

مسألة ۱۱۶۶ - مسافری که قصد دارد ده روز در محلی بماند می‌تواند قصد کند در چند جا توقف کند به شرط اینکه فاصله آنها کم باشد (مثلاً یکی دو کیلومتر و یا بیشتر) به طوری که بگویند او مسافر نیست، همچنین هیچ تفاوتی میان شهرهای بزرگ و کوچک نیست و بلاد

کبیره، و (صغیره) تفاوتی در احکام مسافر ندارد.

مسألة ۱۱۶۷ - مسافری که قصد اقامه ده روز در محلی کرده، اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف برود چنانچه جایی که می خواهد برود به اندازه‌ای دور نیست که جزء مسافرت محسوب شود باید تمام نماز را تمام بخواند، اما اگر طوری است که جزء مسافرت محسوب می شود باید تمام ده روز را شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۶۸ - هرگاه کسی قصد دارد ده روز در جایی بماند اما احتمال می دهد در اثنا مانعی پیدا شود در صورتی که مردم به اینگونه احتمالات اعتنا نکنند باید نماز را تمام بخواند، اما اگر احتمال وجود مانع قوی باشد نمازش شکسته است.

مسألة ۱۱۶۹ - هرگاه مسافری قصد ندارد ده روز در جایی توقف کند ولی قصدش این است که مثلاً اگر رفیقش بیاید یا منزل خوبی پیدا کند ده روز بماند باید نماز را شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۷۰ - هرگاه مسافری بداند مثلاً ده روز بیشتر به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند، همچنین اگر نداند آن روز چندم ماه است و تا آخر ماه چقدر مانده، ولی قصدش این است که به هر حال تا آخر ماه بماند، چنانچه در واقع تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد، باید نماز را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۷۱ - هرگاه کسی قصد اقامه ده روز کند و بعداً منصرف یا مردد شود، اگر پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی باشد نمازش شکسته است، ولی اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی منصرف یا مردد شود، باید تا وقتی در آنجاست نماز را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۷۲ - هرگاه کسی قصد ده روز کند و روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد روزه اش صحیح است و باید آنجا هست نمازها را تمام بخواند و روزه ماه رمضان را بگیرد اما اگر نماز چهار رکعتی نخوانده روزه اش صحیح نیست و نمازها را نیز باید شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۷۳ - هرگاه شک کند که آیا نماز چهار رکعتی خوانده و بعد منصرف یا مردد شده یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۷۴ - هرگاه مسافر به نیت نماز شکسته مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد ده روز یا بیشتر در آنجا بماند باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و اگر به عکس قصد

ده روز کرده بوده و مشغول نماز چهار رکعتی شده بود ولی در وسط نماز از قصد خود برگشت، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده باید نماز را دو رکعتی تمام کند و بقیه نمازها را نیز شکسته بخواند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است و تا وقتی که آنجا است باید شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۷۵ - کسی که قصد کرده ده روز در محلی بماند هرگاه بیشتر از ده روز بماند تا وقتی مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ده روز کند.

مسألة ۱۱۷۶ - مسافری که قصد ده روز کرده باید روزه واجب را بگیرد و می تواند روزه مستحبی بجا آورد و نافله های ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

مسألة ۱۱۷۷ - مسافری که قصد کرده ده روز در جایی توقف کند، چنانچه بعد از گذشتن ده روز یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و به محل اقامه خود باز گردد، باید نماز را تمام بخواند و هرگاه بخواهد از محل اقامت به جای دیگری برود که کمتر از هشت فرسخ است و در محل دوم ده روز بماند باید نماز خود را در مسیر راه و در جای دوم تمام بخواند، اما اگر هشت فرسخ یا بیشتر باشد در مسیر راه شکسته می خواند و در محل دوم که قصد اقامه کرده تمام می خواند.

مسألة ۱۱۷۸ - هرگاه کسی به خیال اینکه دوستانش می خواهند ده روز در محلی بمانند قصد ده روز کند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده اند و منصرف شود تا مدتی که او در آنجا است باید نماز را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۷۹ - سوم - (توقف یک ماه بدون قصد) - هرگاه مسافر در محلی توقف کند ولی نمی داند مدت توقف او چند روز است باید نماز را شکسته بخواند، اما بعد از گذشتن سی روز باید نماز را تمام بخواند، اگر چه مقدار کمی بعد از آن در آنجا بماند (اگر یک ماه از ماههای قمری بماند که کمتر از سی روز باشد نیز کافی است مثلاً از دهم این ماه تا دهم ماه دیگر).

مسألة ۱۱۸۰ - هرگاه کسی می خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند بعد از گذشتن این مدت باز تصمیم می گیرد نه روز یا کمتر بماند، تا سی روز، باید نماز را شکسته بخواند، از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

مسألة ۱۱۸۱ - هرگاه توقف سی روز در یک محل نباشد کافی نیست، بنابراین اگر در

جایی مثلاً بیست روز بدون قصد بماند سپس از آنجا چند فرسخ دورتر رود و بیست روز دیگر بماند نماز او شکسته است.

مسائل متفرقة نماز مسافر

مسألة ۱۱۸۲ - در چهار محل مسافر مخیر است نماز را تمام یا شکسته بخواند: «مسجد الحرام»، «مسجد پیغمبر ﷺ»، «مسجد کوفه» و «حرم حضرت سیدالشهداء ﷺ» و افضل در این موارد نماز تمام است و فرقی میان مسجد الحرام در عصر پیامبر ﷺ و ائمه هدی (علیهم السلام) و اضافاتی که بعداً بر آن افزوده شد، یا در آینده افزوده می شود نیست، همچنین در مورد مسجد پیامبر ﷺ و کوفه و حرم حسینی ﷺ.

مسألة ۱۱۸۳ - کسی که می داند مسافر است و نماز را باید شکسته بخواند اگر عمداً تمام بخواند باطل است، همچنین اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند باید اعاده کند و نیز اگر حکم نماز مسافر را می دانست اما توجه نداشت که در حال سفر است و نمازش را تمام بخواند، اما اگر اصلاً این حکم را نمی دانست که وظیفه مسافر نماز شکسته است و هنوز این مآله را نشنیده بود اگر بجای نماز شکسته نماز را تمام بخواند نمازش صحیح است.

مسألة ۱۱۸۴ - مسافری که اجمالاً می داند باید نماز را شکسته بخواند اگر بعضی از جزئیات آن را نداند (مثلاً نداند که شرط این مسأله سفر هشت فرسخی است) چنانچه تمام بخواند احتیاط آن است که به طور شکسته اعاده کند.

مسألة ۱۱۸۵ - هرگاه فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند چنانچه در وقت یادش بیاید باید شکسته بجا آورد و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا ندارد.

مسألة ۱۱۸۶ - کسی که وظیفه اش نماز تمام است اگر عمداً یا از روی اشتباه یا فراموشی شکسته بخواند نمازش باطل است، حتی اگر قصد اقامه ده روز کرده و نمی دانسته که در این حال تمام بخواند و نماز خود را شکسته خوانده، احتیاط واجب آن است که به صورت تمام اعاده کند.

مسألة ۱۱۸۷ - هرگاه مشغول نماز چهار رکعتی است و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است، یا متوجه شود که سفر او هشت فرسخ است، اگر به رکوع رکعت سوم نرفته، باید

نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است و باید شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۸۸ - هرگاه کسی مشغول نماز شکسته شود و در بین نماز یا در وقت پیش از آن که مسافر نیست و یا سفرش سفری نیست که نماز در آن شکسته باشد، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و نمازش صحیح است.

مسألة ۱۱۸۹ - هرگاه کسی اول وقت در سفر بوده و نماز را نخوانده و بعد به وطن یا جایی که قصد دارد ده روز بماند وارد شهر شود باید نماز را تمام بخواند و برعکس، اگر کسی اول وقت در وطن یا محل اقامت بوده و نماز را نخوانده، مسافرت کرده باید نمازش را در سفر شکسته بخواند.

مسألة ۱۱۹۰ - هرگاه نماز انسان در سفر قضا شود باید قضای آن را شکسته بخواند (خواه در سفر قضا کند یا در وطن) و به عکس اگر در وطن نمازش قضا شود باید قضای آن را تمام بخواند (خواه در سفر قضا کند یا در وطن).

مسألة ۱۱۹۱ - مستحب است مسافر به امید ثواب الهی بعد از هر نماز شکسته سی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید.

مسألة ۱۱۹۲ - حکم نماز مسافر مربوط به آسان بودن و سخت بودن سفر نیست، بلکه در مسافرت‌های راحت امروز نیز با شرایطی که گفته شد باید نماز را شکسته خواند.

نماز قضا

مسألة ۱۱۹۳ - هرکس نماز واجب را در وقت آن ترک کند باید قضای آن را بجا آورد، هر چند در تمام وقت نماز خواب بوده، یا به واسطه بیماری یا سستی، نماز را نخوانده باشد، اما کسی که در تمام وقت بی‌هوش بوده، قضا بر او واجب نیست، همچنین کافری که مسلمان شده و زنی که در حال حیض یا نفاس بوده.

مسألة ۱۱۹۴ - هرگاه بعد از وقت نماز بفهمند نمازی را که نخوانده باطل بوده باید آن را قضا کند.

مسألة ۱۱۹۵ - کسی که نماز قضا بر عهده دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست آن را فوراً بجا آورد، مگر آنکه یک یا دو نماز قبل از آن قضا شده باشد که

احتیاط واجب این است که پیش از نماز همان روز آن را قضا کند.

مسألة ۱۱۹۶ - کسی که نماز قضا بر ذمه دارد می تواند نماز مستحبی بخواند و خواندن نماز قضا قبل از نماز یومیه یا بعد از آن مانعی ندارد.

مسألة ۱۱۹۷ - اگر کسی گمان دارد بعضی از نمازهای گذشته او صحیح نبوده، یا فراموش کرده است، احتیاط مستحب آن است که قضای آن را بجا آورد.

مسألة ۱۱۹۸ - در نماز قضا ترتیب واجب نیست، جز در میان قضای ظهر و عصر و مغرب و عشا از یک روز.

مسألة ۱۱۹۹ - کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند، مثلاً نمی داند دو نماز بوده یا سه نماز، کافی است مقدار کمتر را بخواند، اما اگر قبلاً شماره آنها را می دانسته، ولی به واسطه سهل انگاری فراموش کرده، احتیاط واجب آن است که مقدار بیشتر را بخواند.

مسألة ۱۲۰۰ - کسی که نماز قضا از روزهای پیش بر ذمه دارد می تواند قبل از خواندن نماز قضا به نماز ادای روزانه مشغول شود، مگر آنکه یک یا دو نماز قبل از آن باشد که بنا بر احتیاط واجب باید قبلاً بجا آورد.

مسألة ۱۲۰۱ - کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی بر ذمه دارد، اما نمی داند قضای «ظهر» بوده یا «عصر» یا «عشا» اگر یک نماز چهار رکعتی به نیت «ما فی الذمه» یعنی قضایی که بر عهده اوست بخواند کافی است و در بلند خواندن و آهسته خواندن حمد و سوره مخیر است.

مسألة ۱۲۰۲ - هیچ کس نمی تواند نماز قضای دیگری را که در حال حیات است بجا آورد، هر چند او از خواندن نماز قضا عاجز باشد، اما بعد از مردن مانعی ندارد.

مسألة ۱۲۰۳ - نماز قضا را می توان با جماعت خواند، خواه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، ولی احتیاط این است که هر دو یک نماز را بخوانند، مثلاً نماز قضای ظهر را با نماز ظهر بخواند و نماز قضای عصر را با نماز عصر.

مسألة ۱۲۰۴ - مستحب است بچه ای را که خوب و بد را تمیز می دهد به نماز خواندن و سایر عبادتها عادت دهند، بلکه مستحب است او را به قضای نماز تشویق کنند (البته نباید این کار به صورتی انجام گیرد که موجب فشار و بیزاری او از نماز گردد).

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است

مسألة ۱۲۰۵ - بر پسر بزرگتر (یعنی بزرگترین پسری که بعد از مرگ آنها در حال حیات است) واجب است که نماز و روزه‌هایی که از پدر یا مادرش فوت شده و از روی نافرمانی نبوده و توانایی بر قضا داشته، بعد از مرگ آنها بجا آورد، بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد بنا بر احتیاط مستحب باید به همین طور عمل کند، همچنین روزه‌ای را که در سفر نگرفته هر چند توانایی قضای آن را پیدا نکند احتیاط آن است که پسر بزرگتر قضا نماید.

مسألة ۱۲۰۶ - هرگاه شخص دیگری آن نماز و روزه را قضا نماید از پسر بزرگتر ساقط می‌شود.

مسألة ۱۲۰۷ - اگر پسر بزرگتر نمی‌داند که از پدر یا مادرش نماز و روزه‌ای قضا شده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و تفحص و جستجو نیز لازم نمی‌باشد.

مسألة ۱۲۰۸ - اگر پسر بزرگتر از دنیا برود بر سایر پسران تکلیفی نیست.

مسألة ۱۲۰۹ - اگر معلوم نباشد پسر بزرگتر کدام است؛ یعنی تاریخ تولد پسرها درست روشن نباشد، قضای نماز و روزه پدر و مادر بر هیچ کدام واجب نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که بین خودشان قسمت کنند.

مسألة ۱۲۱۰ - پسر بزرگتر هنگام قضای نماز و روزه پدر و مادر باید به تکلیف خود عمل کند، یعنی دستورات نماز و روزه را مطابق حکم مرجع تقلید خود بجا آورد.

مسألة ۱۲۱۱ - کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد و نماز و روزه پدر و مادر نیز بر او واجب شده، هر کدام را اول بجا آورد صحیح است.

مسألة ۱۲۱۲ - هرگاه پسر بزرگتر در موقع مرگ پدر یا مادر نابالغ یا دیوانه بوده، هر وقت بالغ و عاقل شود باید نماز و روزه پدر یا مادر را قضا نماید.

نماز استیجاری

مسألة ۱۲۱۳ - اجیر گرفتن برای قضای نماز و عبادت‌های دیگر از طرف اموات خالی از اشکال نیست، مگر در حج و اگر کسی بخواهد در عبادت‌های دیگر اجیر بگیرد قصد رجاء کند، اما بجا آوردن نماز و روزه قضا و همچنین نماز و روزه مستحبی به قصد قربت و بدون

نگرفتن اجرت اشکالی ندارد.

مسئله ۱۲۱۴ - انسان می‌تواند برای بعضی از کارهای مستحب مانند زیارت قبر پیغمبر ﷺ و امامان (علیهم السلام) از طرف زندگان اجیر شود، ولی احتیاط واجب آن است که پول را برای مقدمات کار بگیرد و نیز می‌تواند اعمال مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را به اموات یا زنده‌ها هدیه نماید.

مسئله ۱۲۱۵ - کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده، باید مسائل نماز را به خوبی بداند و قرائت او صحیح باشد.

مسئله ۱۲۱۶ - شخصی که می‌خواهد از طرف دیگری نماز یا روزه، یا عبادت دیگری، بجا آورد باید در موقع نیت میت را معین کند، لازم نیست اسم او را بداند، همین اندازه که علامت و نشانه‌ای برای او در قصد و نیت خود قرار دهد کافی است.

مسئله ۱۲۱۷ - شخص نایب باید خود را بجای میت فرض کند و عبادتی را که بر ذمه اوست قضا نماید و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند دین او ادا نمی‌شود.

مسئله ۱۲۱۸ - در صورتی ذمه میت ادا خواهد شد که اطمینان پیدا شود که نایب نماز را خوانده است و اگر شک کند کافی نیست، ولی اگر یقین داشته باشد نماز را خوانده اما نداند صحیح انجام داده یا نه اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۱۹ - اگر نایب بگوید نماز را خوانده‌ام تنها به گفته او نمی‌توان قناعت کرد مگر اینکه فرد مورد اطمینانی باشد.

مسئله ۱۲۲۰ - شخصی که از میت نیابت می‌کند باید کسی باشد که در انجام اجزاء و شرایط نماز معذور نباشد، مثلاً کسی که نشسته نماز می‌خواند نمی‌تواند نایب شود، حتی بنا بر احتیاط واجب کسی که با تیمم یا جبیره نماز می‌خواند نیابت نکند.

مسئله ۱۲۲۱ - مرد می‌تواند برای زن و زن برای مرد نیابت کند و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز باید به وظیفه خودش عمل نماید، نه وظیفه میت و لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود، خواه ترتیب آن را بداند یا نداند، مگر در مورد ظهر و عصر، یا مغرب و عشا از یک روز که رعایت ترتیب در آن لازم است.

مسئله ۱۲۲۲ - کسی که اجیر برای قضای نماز و روزه می‌شود اگر طرز مخصوصی را با او

شرط کنند (مثلاً بگویند نماز را باید در مسجد یا در فلان ساعت بخواند) باید به شرط عمل کند، اما اگر شرط خاصی با او نکنند مطابق تکلیف خود و طبق معمول انجام دهد و در مستحبات نیز آنچه معمول است بجا می آورد و بیش از آن لازم نیست مگر شرط کنند، خواندن نماز آیات نیز تا شرط نکنند لازم نیست.

مسألة ۱۲۲۳ - هرگاه اشخاص متعددی را برای قضای نماز میت اجبر کند لازم نیست برای هر کدام وقت معینی را تعیین نماید، بلکه آنها می توانند در هر وقت که بخواهند نماز را بجا آورند، ولی برای رعایت ترتیب بین نمازهای قضا احتیاط مستحب آن است که برای هر کدام از آنها وقتی را معین نماید، مثلاً با یکی قرار می گذارد که در فاصله صبح تا ظهر نماز قضا بجا آورد و با دیگری از ظهر تا شب و نیز بهتر است هر یک از آنها مقدار نمازی را که می خواند با دیگری شبیه باشد، مثلاً اگر از نماز ظهر شروع می کند و تا نماز صبح پایان می دهد (خواه یک شبانه روز بخواند یا چند شبانه روز) دیگری نیز از ظهر شروع کند و به صبح خاتمه دهد.

مسألة ۱۲۲۴ - هرگاه شخص اجبر پیش از تمام کردن نماز و روزه ای که اجبر شده بود از دنیا برود در حالی که اجرت همه آنها را گرفته، اگر شرط کرده باشند تمام نمازها را خودش بجا آورد باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او برگرداند و اگر چنین شرطی نکرده اند باید ورثه از مال او کسی را اجبر کنند تا باقیمانده را بجا آورد و اگر مالی ندارد چیزی بر ورثه واجب نیست، ولی بهتر است دین میت را ادا کنند.

مسألة ۱۲۲۵ - هرگاه اجبر پیش از تمام کردن عمل از دنیا برود و خودش نیز نماز قضا بر ذمه داشته باشد، باید از مال او برای نمازهایی که اجبر بوده دیگری را اجبر کنند و یا اگر شرط کرده اند خودش بجا آورد باقیمانده را برگردانند، اما برای نمازهای خودش نمی توانند از مال او بردارند مگر با رضایت ورثه و یا در صورتی که وصیت کرده از ثلث مالش به مصرف نماز برسانند.

نماز جماعت

سألة ۱۲۲۶ - نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعائر اسلامی است و روایات، فوق العاده روی آن تکیه شده است، مخصوصاً برای همسایه مسجد یا کسی

که صدای اذان مسجد را می‌شنود بیشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا می‌تواند نمازش را با جماعت بخواند.

در روایتی آمده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت آن ثواب ۱۵۰ نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت ثواب ۶۰۰ نماز و هر قدر عدد نمازگزاران بیشتر شود ثواب نمازشان بیشتر خواهد شد و اگر عدد آنان از ده نفر بگذرد اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و ملائکه و انس و جن نویسند شونند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

مسألة ۱۲۲۷ - حاضر نشدن به نماز جماعت اگر از روی بی‌اعتنایی و سبک شمردن باشد حرام است.

مسألة ۱۲۲۸ - مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی (تنها) باشد بهتر است و نیز جماعتی که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آن را طول دهند برتر است.

مسألة ۱۲۲۹ - هرگاه جماعت بر پا شود مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعداً بفهمد که نمازش اولش باطل بوده نماز دوم کافی است.

مسألة ۱۲۳۰ - جایز است امام جماعت که یکبار نماز خود را با جماعت خوانده آن را با جماعت دیگری دوباره بخواند، اما پیش از دوباره اشکال دارد، بنابراین یک امام جماعت می‌تواند در دو مسجد اقامه جماعت کرده و نماز را دوباره بخواند.

مسألة ۱۲۳۱ - کسی که در نماز وسواس دارد و وسواس او اسباب اشکال نماز می‌شود، چنانچه بداند در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود باید نماز را به جماعت بخواند.

مسألة ۱۲۳۲ - هیچ نماز مستحبی را نمی‌توان با جماعت خواند، مگر نماز استسقاء، یعنی نمازی که برای آمدن باران می‌خوانند و نماز عید فطر و قربان که در زمان غیب امام علیه السلام مستحب است.

مسألة ۱۲۳۳ - در نمازهای یومیه هر نمازی را می‌توان با هر نماز امام اقتدا کرد، مثلاً اگر امام نماز ظهر را می‌خواند و او نماز ظهر را قبلاً خوانده می‌تواند نماز عصرش را با نماز ظهر

- امام بخواند، ولی اگر امام برای احتیاط نمازش را اعاده کرده، نمی تواند نماز خود را با او بخواند، مگر اینکه هر دو از جهت احتیاط مثل هم باشند.
- مسألة ۱۲۳۴ - اگر امام جماعت نماز قضا می خواند می شود به او اقتدا کرد ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا کند اقتدا به او اشکال دارد.
- مسألة ۱۲۳۵ - اگر انسان نداند نمازی را که امام می خواند نماز نافله است یا نماز واجب می تواند به او اقتدا کند.

شوایط نماز جماعت

- مسألة ۱۲۳۶ - در جماعت چند چیز باید رعایت شود:
- اول - نبودن حایل؛ یعنی میان امام و مأوم و همچنین میان مأومین نسبت به یکدیگر باید چیزی که مانع دیدن است نباشد، بلکه حایل شیشه ای نیز اشکال دارد، اما اگر مأوم زن باشد حایل میان او و مردان مانعی ندارد.
- مسألة ۱۲۳۷ - اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد کسانی که در دو طرف محراب ایستاده اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند نمی توانند به او اقتدا کنند، بلکه اگر کسی هم پشت سر امام اقتدا کرده باشد کسانی که دو طرف او ایستاده اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند جماعت آنها اشکال دارد، ولی صفهایی که پشت سر آنها قرار دارد نمازشان صحیح است، همچنین اگر صفها به در مسجد برسد و از آن خارج گردد.
- مسألة ۱۲۳۸ - هرگاه به واسطه طولانی شدن صفها کسانی که دو طرف صف ایستاده اند امام را نمی بینند مانعی ندارد، همچنین اگر به واسطه طولانی شدن یکی از صفها کسانی که در دو طرف آن ایستاده اند صف جلو خود را نبینند جماعتشان صحیح است.
- مسألة ۱۲۳۹ - کسی که پشت ستون ایستاده اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأوم دیگر به امام متصل باشد کافی است.
- مسألة ۱۲۴۰ - شرط دوم اینکه دجای ایستادن امام از جای مأوم بلندتر نباشد مگر به مقدار بسیار کم و اگر زمین سرایشی باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سرایشی آن زیاد نباشد و به آن زمین مسطح گویند مانعی ندارد.

مسأله ۱۲۴۱ - بلندتر بودن جای مأموم از جای امام ضروری ندارد، مثلاً اگر امام در صحن مسجد بایستد و عده‌ای از مأمومین در بالکن و پشت بام، اگر طوری باشد که به آن جماعت نگویند صحیح نیست مثل اینکه امام در طبقه اول بایستد و مأمومین در بعضی از طبقات بالا که از جماعت دور است.

مسأله ۱۲۴۲ - شرط سوم اینکه میان امام و مأموم یا مأمومین با یکدیگر زیاد فاصله نباشد، اما اگر یک یا چند قدم فاصله باشد، به طوری که به آن جماعت گویند مانعی ندارد، بنابراین فاصله شدن یک یا دو نفر که نماز نمی‌خوانند مانعی ندارد، ولی مستحب است صفوف کاملاً به هم متصل باشد.

مسأله ۱۲۴۳ - هنگامی که امام تکبیر می‌گوید و وارد نماز می‌شود در صورتی که صفهای جلوتر آماده نماز باشند همه می‌توانند تکبیر بگویند و وارد نماز شوند و لازم نیست انتظار بکشند تا صفهای جلو وارد نماز شوند بلکه انتظار کشیدن بر خلاف احتیاط است.

مسأله ۱۲۴۴ - هرگاه بداند یکی از صفهای جلو، نمازشان باطل است اگر صف جلو حایل شود، صفهای بعد نمی‌توانند اقتدا کنند.

مسأله ۱۲۴۵ - شرط چهارم این است که مأموم جلوتر از امام نایستد، بنابراین اگر مأموم در ابتدای جماعت یا در اثناء جلوتر بایستد جماعت او باطل می‌شود، احتیاط این است که مساوی هم نایستد، بلکه کمی عقب‌تر قرار گیرد و این عقب‌تر بودن در تمام حالات نماز مراعات گردد حتی در حالت رکوع و سجود.

احکام جماعت

مسأله ۱۲۴۶ - هرگاه مأموم بداند نماز امام قطعاً باطل است، مثلاً بداند امام وضو ندارد نمی‌تواند به او اقتدا کند هر چند امام متوجه نباشد، اما اگر مأموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده و یا خدای نکرده کافر بوده است یا نمازش باطل بوده، نماز مأموم صحیح است.

مسأله ۱۲۴۷ - اگر مأموم در اثنا نماز شک کند که نیت اقتدا کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که اطمینان پیدا کند مشغول جماعت است نماز را به جماعت تمام می‌کند، ولی اگر اطمینان پیدا نکند باید نماز را به نیت فردی انجام دهد.

مسألة ۱۲۴۸ - بدون عذر نمی توان از جماعت جدا شد و نیت فرادی کرد، خواه از اول تصمیم بر این کار داشته باشد، یا در اثنای نماز.

مسألة ۱۲۴۹ - هرگاه مأموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام از او جدا شد و نیت فرادی کرد لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی کند باید آن مقدار را که امام نخوانده بخواند.

مسألة ۱۲۵۰ - اگر در اثناء نماز به خاطر عذری نیت فرادی کند نمی تواند دوباره به جماعت برگردد و نیز اگر مرده شود که نیت فرادی کند یا نکند و بعد تصمیم بگیرد نماز را به جماعت تمام کند جماعت او اشکال دارد، اما هرگاه شک کند که نیت فرادی کرده یا نه، بنا می گذارد بر اینکه نیت فرادی نکرده است.

مسألة ۱۲۵۱ - اگر موقعی که امام در رکوع است به او اقتدا کند و به رکوع رود و به رکوع امام برسد نماز او صحیح است، خواه امام ذکر رکوع را گفته باشد یا نه و رکعت اول او حساب می شود، اما اگر به رکوع امام نرسد نمازش را به طور فرادی تمام کند و بنا بر احتیاط واجب اعاده نماید، همچنین اگر شک کند به رکوع امام رسیده یا نه.

مسألة ۱۲۵۲ - در رکعتهای دیگر نماز (غیر از رکعت اول) نیز باید خود را به رکوع امام برساند و گرنه جماعت او اشکال دارد.

مسألة ۱۲۵۳ - اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود امام سر از رکوع بردارد، نیت فرادی می کند و نمازش صحیح است و اعاده ندارد.

مسألة ۱۲۵۴ - هرگاه در اول نماز یا در بین حمد و سوره اقتدا کند و خود را به رکوع امام نرساند جماعت او صحیح نیست، مگر اینکه عذری داشته باشد.

مسألة ۱۲۵۵ - اگر موقعی به جماعت رسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب نماز جماعت برسد باید نیت کند و تکبیرة الاحرام بگوید و بعد بنشیند و تشهد نماز را با امام بخواند، ولی سلام نگوید و کمی صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید، بعد بایستد و نماز را ادامه دهد، یعنی حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

مسألة ۱۲۵۶ - اگر در رکعت دوم اقتدا کند قنوت و تشهد را با امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد زانوهای را از زمین بلند کند و تنها انگشتان دست و سینه پا را بر

زمین بگذارد (و به صورت نیمه خیز بنشیند) و بعد از تشهد امام برخیزد و حمد و سوره بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع، خود را به امام برساند. **مسألة ۱۲۵۷** - کسی که در رکعت دوم امام اقتدا می‌کند، باید در رکعت دوم نماز خودش که رکعت سوم امام است بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد و خود را به امام برساند و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد یک مرتبه بگوید و در رکوع خود را به امام برساند.

مسألة ۱۲۵۸ - اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأوم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی‌رسد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع برود بعد اقتدا کند.

مسألة ۱۲۵۹ - هرگاه در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد فقط حمد را می‌خواند و خود را در رکوع به امام می‌رساند.

مسألة ۱۲۶۰ - کسی که اطمینان دارد اگر سوره را بخواند به رکوع امام می‌رسد، احتیاط واجب آن است که سوره را بخواند و در این حال اگر سوره را بخواند و اتفاقاً به رکوع امام نرسد جماعتش صحیح است.

مسألة ۱۲۶۱ - اگر امام ایستاده باشد و مأوم نداند در کدام رکعت است می‌تواند اقتدا کند و حمد و سوره را به قصد قریت بخواند و نمازش صحیح است، خواه معلوم شود امام در رکعت سوم و چهارم بوده، یا در رکعت اول و دوم به شرط اینکه نماز ظهر و عصر باشد که حمد و سوره را امام آهسته می‌خواند.

مسألة ۱۲۶۲ - اگر خیال می‌کرد امام در رکعت اول یا دوم است و حمد و سوره را نخواند و بعد از رکوع فهمید که رکعت سوم یا چهارم بوده، نمازش صحیح است، ولی اگر پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد فقط حمد را بخواند و در رکوع خود را به امام برساند.

مسألة ۱۲۶۳ - هرگاه مشغول نماز مستحبی باشد و جماعت برپا شود چنانچه می‌ترسد اگر نماز خود را تمام کند به جماعت نرسد مستحب است آن نماز را رها کند و مشغول جماعت شود.

مسألة ۱۲۶۴ - هرگاه مشغول نماز واجب است و جماعت برپا شود، چنانچه وارد رکعت

سوم نشده و می‌ترسد اگر نماز را تمام کند به جماعت نرسد مستحب است نیت خود را به نماز مستحبی برگراند و آن را دو رکعتی تمام کرده؛ خود را به جماعت برساند.
مسئله ۱۲۶۵ - اگر نماز امام تمام شود و مأموم هنوز مشغول تشهد یا سلام است لازم نیست نیت فرادی کند.

مسئله ۱۲۶۶ - کسی که یک رکعت از امام عقب مانده، وقتی امام تشهد را می‌خواند احتیاط آن است که زانوهای را از زمین بلند کند و انگشتان دست و سینه پا را بر زمین بگذارد و همراه او تشهد بخواند، یا ذکر بگوید و اگر تشهد آخر است صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد و ادامه دهد.

شوايط امام جماعت

مسئله ۱۲۶۷ - امام جماعت باید «بالغ» و «عاقل» و «عادل» و «حلال زاده» و «شیعه دوازده امامی» باشد و قرائت را صحیح بخواند و اگر مأموم مرد است امام هم باید مرد باشد، ولی امامت زن برای زن مانعی ندارد و هر انسانی حلال‌زاده است خواه مسلمان یا غیر مسلمان، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

مسئله ۱۲۶۸ - «عدالت» یک حالت خدا ترسی باطنی است که انسان را از انجام گناه کبیره و تکرار گناه صغیره باز می‌دارد و همین اندازه که با کسی معاشرت داشته باشیم و گناهی از او نبینیم نشانه وجود عدالت است و این را حسن ظاهر که حاکی از ملکه باطن است می‌گویند.

مسئله ۱۲۶۹ - کسی که سابقاً عادل بوده هرگاه شک شود که بر عدالت باقی مانده است یا نه باید گفت عادل است، مگر اینکه یقین به خلاف پیدا شود.

مسئله ۱۲۷۰ - کسی که ایستاده نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند و کسی که نشسته نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند.

مسئله ۱۲۷۱ - اگر امام جماعت با تیمم یا وضوی جبیره‌ای نماز می‌خواند می‌توان به او اقتدا کرد، ولی اگر به واسطه عذری با لباس نجس از روی ناچاری نماز می‌خواند بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد، همچنین کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط

خودداری کند و همچنین زن مستحاضه و به طور کلی هر کس نماز خود را به سبب عذری ناقص می خواند حق ندارد امام جماعت برای دیگران شود (بنابر احتیاط واجب) مگر آنچه در بالا درباره نیمم یا وضوی جبیره ای گفته شد.

مسألة ۱۲۷۲ - کسی که بیماری جذام (خوره) یا برص (پسی) دارد بنابر احتیاط نمی تواند امام جماعت شود حتی برای مثل خودش.

احکام جماعت

مسألة ۱۲۷۳ - مأموم باید امام را در نیت خود معین کند، ولی دانستن اسم او لازم نیست، مثلاً همین اندازه که نیت کند اقتدا به امام حاضر می کنم و عدالت و سایر جهات در او جمع باشد کافی است.

مسألة ۱۲۷۴ - مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند و حمد و سوره در صورتی از او ساقط است که در رکعت اول و دوم با امام نماز بخواند، اما اگر در رکعت سوم و چهارم در حال قیام امام، اقتدا کند باید حمد و سوره را خودش بخواند.

مسألة ۱۲۷۵ - اگر مأموم صدای قرائت امام را در نمازهای صبح و مغرب و عشاء بشنود باید حمد و سوره را ترک کند و اگر صدای امام را نشنود جایز است حمد و سوره را بخواند، ولی باید آهسته بخواند، اما در نمازهای ظهر و عصر احتیاط واجب آن است که همیشه حمد و سوره را ترک نماید، اما ذکر گفتن به طور آهسته، جایز، بلکه مستحب است.

مسألة ۱۲۷۶ - هرگاه مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام، یا صدای هممه او را بشنود احتیاط واجب ترک حمد و سوره است.

مسألة ۱۲۷۷ - اگر مأموم سهواً حمد و سوره را بخواند، یا گمان کند صدایی را که می شنود صدای امام نیست و حمد و سوره را بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده نمازش صحیح است و هرگاه شک کند صدای امام است یا صدای کس دیگر بنا بر احتیاط حمد و سوره را نخواند.

مسألة ۱۲۷۸ - مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید، ولی در ذکرهای دیگر مانع ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر صدای امام را بشنود پیش از او نگوید.

مسألة ۱۲۷۹ - مأموم باید کارهای نماز را مانند رکوع و سجود جلوتر از امام انجام ندهد،

بلکه همراه امام یا کمی بعد از او بجا آورد و اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد باید دوباره به رکوع برود و با امام سر بردارد و زیادی رکوع در اینجا نماز را باطل نمی‌کند، ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آنکه به رکوع برسد امام سر بردارد نمازش باطل است.

مسألة ۱۲۸۰ - هرگاه مأموم خیال می‌کرد امام سر از سجده برداشته، او هم سر از سجده برداشت، باید دوباره به سجده برود و اگر این کار در هر دو سجده واقع شود زیادی دو سجده که رکن است نماز را در اینجا باطل نمی‌کند، اما اگر به سجده برگردد در حالی که در همان لحظه امام سر از سجده برداشته است، اگر در یک سجده چنین اتفاق افتد نمازش صحیح است و اگر در دو سجده با هم باشد نمازش باطل می‌شود.

مسألة ۱۲۸۱ - اگر اشتبهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال اینکه به امام نمی‌رسد به رکوع یا سجده نرود نمازش صحیح است.

مسألة ۱۲۸۲ - هرگاه مأموم سهواً قبل از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بردارد به مقداری از قرائت امام می‌رسد باید برگردد و قرائت امام را درک کند و با او به رکوع رود و هرگاه می‌داند به چیزی از قرائت امام نمی‌رسد احتیاط واجب آن است که سر بردارد و با امام نماز را تمام کند و نماز را دوباره بخواند.

مسألة ۱۲۸۳ - در تمام مواردی که مأموم باید برگردد اگر عمداً برنگردد نمازش اشکال دارد.

مسألة ۱۲۸۴ - اگر امام در رکعتی که تشهد ندارد اشتبهاً تشهد بخواند، یا در رکعتی که قنوت ندارد اشتبهاً قنوت بخواند، مأموم نباید تشهد و قنوت را بخواند، ولی نمی‌تواند پیش از امام برخیزد یا پیش از امام به رکوع رود، بلکه باید مطلب را با علامت و اشاره‌ای به او حالی کند، و اگر نشد صبر کند تا امام تشهد و قنوت را تمام کند و بقیه نماز را با او بخواند.

اموری که در نماز جماعت مستحب است

مسألة ۱۲۸۵ - مستحب است امور زیر به امید ثواب الهی در جماعت رعایت شود:

۱ - اگر مأموم یک مرد است در طرف راست امام، کمی عقب‌تر از او بایستد و اگر یک زن است در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده‌اش مساوی زانو یا قدم امام باشد

و اگر یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام می ایستند و اگر چند مرد یا چند زن باشند همه پشت سر امام می ایستند و اگر چند مرد و چند زن باشند مردها پشت سر امام و زنها پشت سر مردها می ایستند.

۲ - اگر امام و مأموم هر دو زن باشند در یک صف می ایستند، ولی امام کمی جلوتر می ایستد.

۳ - امام در وسط صف می ایستد و اهل علم و فضیلت و تقوی در صف اول می ایستند.

۴ - صفهای جماعت منظم باشد آنچنان که شانه های آنان ردیف یکدیگر قرار گیرد و میان کسانی که در یک صف ایستاده اند فاصله ای نباشد.

۵ - بعد از گفتن «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» مأمومین همگی برخیزند و آماده جماعت شوند.

۶ - امام جماعت حال مأمومی را که از دیگران ضعیف تر است رعایت کند و عجله نکند تا افراد ضعیف به او برسند، همچنین رکوع و سجود و قنوت را زیاد طولانی نکند، مگر اینکه بدانند همه کسانی که به او اقتدا کرده اند آمادگی دارند.

۷ - امام جماعت هنگام قرائت حمد و سوره صدای خود را بلند کند تا مأمومین بشنوند ولی نه بیش از اندازه.

۸ - اگر امام در رکوع بفهمد شخص یا اشخاصی تازه رسیده اند و می خواهند اقتدا کنند رکوع را کمی طول بدهد تا به او برسند، ولی بیش از دو برابر رکوع معمولی طول ندهد، هر چند بدانند شخص یا اشخاص دیگری نیز می خواهند اقتدا کنند.

اموری که در نماز جماعت مکروه است

مسألة ۱۲۸۶ - شایسته است به امید ثواب از امور زیر بپرهیزند:

۱ - اگر در صفهای جماعت جا باشد نمازگزار تنها نایستد.

۲ - مأموم ذکرهای نماز را طوری نگوید که امام بشنود.

۳ - مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا را شکسته می خواند برای کسانی که مسافر نیستند امامت نکند، همچنین کسی که مسافر است به شخص حاضر اقتدا نکند (البته منظور از کراهت در اینجا کمتر بودن ثواب است و گرنه نماز جماعت در هر صورت ثواب دارد).

نماز آیات

مسألة ۱۲۸۷ - نماز آیات در چهار صورت واجب می شود:

اول و دوم - گرفتن «خورشید» و «ماه» هر چند مقدار کمی از آنها بگیرد، خواه کسی بترسد یا نه.

سوم - زلزله، خواه کسی بترسد یا نه.

چهارم - صاعقه و بادهای سیاه و سرخ و هرگونه حوادث خوفناک آسمانی در صورتی که بیشتر مردم بترسند، بلکه برای حوادث خوفناک زمینی نیز اگر موجب وحشت بیشتر مردم شود احتیاط واجب است که نماز آیات بخوانند.

مسألة ۱۲۸۸ - هرگاه اموری که نماز آیات برای آنها واجب است مکرراً اتفاق بیفتد واجب است که برای هر یک از آنها یک نماز آیات بخواند، مثل اینکه چند بار زلزله شود، یا گرفتن خورشید با زلزله همراه گردد، اما اگر در بین نماز آیات این امور واقع شود همان یک نماز آیات کافی است.

مسألة ۱۲۸۹ - لازم نیست تعیین کند نمازی که می خواند برای کدام یک از این حوادث است که رخ داده، همین اندازه که نیت آنچه بر او واجب است بکند کافی است.

مسألة ۱۲۹۰ - در صورتی نماز آیات واجب است که این امور در همان محل رخ دهد و اگر در شهرها و نقاط دیگر رخ دهد بر او واجب نیست.

مسألة ۱۲۹۱ - در موقع گرفتن خورشید یا ماه وقت نماز آیات از موقعی است که شروع به گرفتن کرده و تا زمانی که کاملاً باز نشده ادامه دارد، ولی احتیاط مستحب آن است قبل از شروع به باز شدن نماز را بخواند.

مسألة ۱۲۹۲ - هنگامی که زلزله یا صاعقه و مانند آن اتفاق می افتد باید بلافاصله نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و احتیاط مستحب آن است که تا آخر عمر هر وقت توانست بخواند.

مسألة ۱۲۹۳ - اگر بعد از گذشتن وقت بفهمد تمام خورشید یا ماه گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بجا آورد، اما اگر تمام آن نگرفته باشد قضا واجب نیست.

مسألة ۱۲۹۴ - اگر به او خیر دهند خورشید یا ماه گرفته است ولی برای او یقین حاصل نشود و نماز نخواند بعداً معلوم شود که راست گفته اند، اگر تمام خورشید یا ماه گرفته باشد

باید نماز آیات را بخواند و گرنه واجب نیست.

مسألة ۱۲۹۵ - اگر از گفته منجمین و اشخاصی که از این امور اطلاع دارند اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته، باید نماز آیات را بخواند و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می‌گیرد و فلان مقدار طول می‌کشد و به گفته آنها اطمینان پیدا کند، باید وقت را رعایت کند.

مسألة ۱۲۹۶ - اگر در وقتی که نماز روزانه واجب است نماز آیات بر او واجب شود، هرگز برای هر دو وقت دارد، هر کدام را اول بخواند اشکالی ندارد و اگر وقت یکی از آن دو تنگ شود، باید اول آن را بخواند و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز روزانه را بخواند.

مسألة ۱۲۹۷ - اگر در وسط نماز روزانه بفهمد که وقت نماز آیات تنگ است و وقت نماز روزانه هم تنگ باشد، باید نماز روزانه را ادامه دهد بعد نماز آیات را بخواند و اگر وقت نماز روزانه تنگ نیست باید آن را بشکند اول نماز آیات را بخواند، بعد نماز روزانه را و اگر در بین نماز آیات بفهمد وقت نماز روزانه تنگ است باید نماز آیات را بشکند و مشغول نماز روزانه شود و بعد از آنکه نماز را تمام کرد باید پیش از انجام کاری که نماز را به هم می‌زند، بقیه نماز آیات را از همان جا که رها کرده بجا آورد.

مسألة ۱۲۹۸ - اگر در حال عادت ماهانه یا نفاس، آفتاب یا ماه بگیرد و تا آخر مدتی که خورشید یا ماه باز می‌شود از خون حیض و نفاس پاک نشده باشد، نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد.

دستور نماز آیات

مسألة ۱۲۹۹ - نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت پنج رکوع دارد و می‌توان آن را دو گونه بجا آورد:

۱ - بعد از نیت تکبیر بگوید و یک حمد و سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره تمام بخواند، باز به رکوع رود، تا پنج بار این کار را انجام دهد، بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول بجا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

۲ - بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک

قسمت از آن را بخواند و به رکوع رود، بعد سر بردارد و قسمت دوم از همان سوره را (بدون حمد) بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید و بعد به رکوع رود و رکعت دوم را هم به همین صورت بجا آورد، مثلاً سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را به ترتیب زیر تقسیم کند: قبل از رکوع اول: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگوید و به رکوع رود بعد بایستد و بگوید: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ باز به رکوع رود و سر بردارد و بگوید: اللَّهُ الصَّمَدُ، باز به رکوع رود و سر بردارد و بگوید: لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ و به رکوع رود و سر بردارد و بگوید: وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ، بعد به رکوع رود و بعد از سر برداشتن دو سجده کند و رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا آورد و در آخر تشهد بخواند و سلام گوید.

مسألة ۱۳۰۰ - مانعی ندارد که در نماز آیات رکعت اول را مطابق یکی از این دو روش بجا آورد و رکعت دوم را مطابق روش دیگر.

مسألة ۱۳۰۱ - تمام کارهایی که در نماز روزانه واجب و مستحب است در نماز آیات هم واجب و مستحب است، فقط در نماز آیات اذان و اقامه نیست و بجای آن سه مرتبه به امید ثواب «الصَّلَاة» می گوید.

مسألة ۱۳۰۲ - مستحب است در هر رکعت قبل از خم شدن برای سجده «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و نیز قبل از هر رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید.

مسألة ۱۳۰۳ - مستحب است قبل از شروع دهم قنوت بخواند.

مسألة ۱۳۰۴ - اگر در عدد رکعات شک کند و نداند چند رکعت خوانده و فکرش بجایی نرسد، نماز باطل است، ولی اگر در عدد رکوعها شک کند بنا بر کمتر می گذارد و اگر از محل گذشته یعنی وارد سجده شده باشد اعتنا نمی کند.

مسألة ۱۳۰۵ - هر یک از رکوعهای نماز آیات رکن است و اگر عمداً یا سهواً کم و زیاد شود نماز باطل است.

نماز عید فطر و قربان

مسألة ۱۳۰۶ - این نماز در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود، ولی در زمان ماکه امام علیه السلام غایب است مستحب می باشد و می توان آن را به جماعت یا فرادی خواند.